



نقش تعاونی‌ها در اقتصاد مقاومتی (۱): راهکارهای ارتقای بهره‌وری تعاونی‌های دانش‌بنیان در مسیر اقتصاد ملی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۲/۲۵

شماره مسلسل: ۱۹۷۸۶

کد موضوعی: ۲۱۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

نقش تعاونی‌ها در اقتصاد مقاومتی (۱):
راهکارهای ارتقای بهره‌وری تعاونی‌های دانش‌بنیان در مسیر اقتصاد ملی

نوع گزارش: طرح و لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

نام دفتر:

مطالعات اجتماعی

(گروه تعاون، مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی)

تهیه و تدوین کننده:

معصومه ندیری

مدیر مطالعه:

محمدتقی ضرغام افشار

اظهار نظر کنندگان:

حیدر نجفی رستاقی (دفتر حکمرانی)، فهیمه غفرانی (دفتر مدیریت)

ناظران علمی:

محمد رضا مالکی، هادی افراسیابی

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

گرافیک و صفحه آرایی:

محمد دهقانی شهربابی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژه‌های کلیدی:

۱. تعاونی‌های دانش‌بنیان
۲. اقتصاد مقاومتی
۳. حمایت جهت‌مند
۴. اقتصاد دانش‌بنیان



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. مبانی نظری.....	۱۱
۳. پیشینه مطالعاتی پژوهش.....	۱۳
۴. نسبت تعاونی‌های دانش‌بنیان با اقتصاد مقاومتی.....	۱۵
۵. کارویژه تعاونی‌های دانش‌بنیان در پیگیری قدرت ملی.....	۲۰
۶. جمع‌بندی و پیشنهادها.....	۲۴
منابع و مأخذ.....	۲۵

فهرست جداول و نمودارها

جدول ۱. توزیع تعاونی‌های دانش‌بنیان تا پایان سال ۱۴۰۲ به تفکیک استان و نوع شرکت تعاونی دانش‌بنیان.....	۹
جدول ۲. قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد مقاومتی و تعاونی‌های دانش‌بنیان.....	۱۴
جدول ۳. اهداف و الزامات اقتصاد مقاومتی استخراج شده از متن قانون سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.....	۲۰
جدول ۴. پیشنهادهای گزارش.....	۲۵
نمودار ۱. گزاره‌های اساسی در اقتصاد مقاومتی.....	۱۸
نمودار ۲. گزاره‌های اساسی در اقتصاد دانش‌بنیان.....	۱۹



نقش تعاونی‌ها در اقتصاد مقاومتی (۱): راهکارهای ارتقای بهره‌وری تعاونی‌های دانش‌بنیان در مسیر اقتصاد ملی

چکیده



دانش‌بنیان در اقتصاد مقاومتی - می‌توانند زمینه را برای قرار گرفتن تعاونی‌های دانش‌بنیان در جای ویژه خودشان فراهم کنند. جایی که بیشترین سودمندی را برای خود این شرکت‌ها و برای منافع اقتصاد ملی فراهم می‌آورد. براساس نتایج این تحقیق لازم است «قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران» که قریب دو دهه پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و الزامات جدید صحنه اقتصادی کشور نوشته شده است، براساس نیازها و ضرورت‌های پیش‌رو، به‌خصوص در حوزه بازتعریف تعاونی‌ها، توانمندسازی، آموزش، حمایت‌های مالی و غیرمالی از تعاونی‌ها بازنویسی شود.

تعاونی‌های دانش‌بنیان علاوه‌بر بهره‌مندی از تمام مزایایی که بر سایر شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان مترتب است (مانند خلاقیت، نوآوری، ایجاد پویایی و پایداری در اقتصاد)، از ویژگی‌های منحصر به فردی نیز برخوردارند که به آنها کمک می‌کند تا کارکردی ویژه در پیگیری اهداف اقتصاد مقاومتی داشته باشند. توجه داشتن تعاونی‌ها به اهداف اجتماعی، خیر عمومی و نیز شیوه اجتماعی سازماندهی تعاونی‌ها ظرفیت ویژه‌ای برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی فراهم می‌کند. گزارش حاضر نشان می‌دهد سیاست‌ها و قوانین حوزه تعاونی‌های دانش‌بنیان با لحاظ کردن این موضوع - یعنی اثر وجه اجتماعی تعاونی‌های



بیان / شرح مسئله

در ایران، ۹۰۰۰ شرکت دانش‌بنیان وجود دارد که از این بین حدود ۱۳۰ شرکت، تعاونی‌های دانش‌بنیانی هستند که مورد تأیید «کارگروه ارزیابی شرکت‌های دانش‌بنیان» نیز قرار گرفته‌اند و هر روز بر درخواست‌ها در این حوزه اضافه می‌شود. در جهان، آمار دقیقی از این تعاونی‌ها وجود ندارد، اما می‌توان گفت تمایل به تشکیل آنها در حوزه فعالیت تعاونی‌های کشاورزی بیشتر است. طبق سند توسعه بخش تعاون مصوب سال ۱۴۰۲ هیئت‌وزیران موضوع بند «الف» ماده (۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم، در بند «الف» ماده (۹) ذیل عنوان «اهداف کمی بخش تعاون»، سهم بخش تعاون از کل شرکت‌های دانش‌بنیان در پایان چشم‌انداز ۱۰ ساله را ۴۰٪ تعیین کرده است. یعنی نزدیک به نیمی از شرکت‌های دانش‌بنیان باید در پایان دهه جاری تعاونی‌ها باشند. اگر معیار درستی برای ارزیابی تعاونی‌های دانش‌بنیان وجود نداشته باشد و مشخص نباشد این تعاونی‌ها چه فواید و کارویژه‌ای دارند و کجا باید قرار بگیرند و کجا الزامی به حضورشان نیست ضمن آنکه نمی‌توان تحلیل دقیقی از وضعیت کنونی داشت، به همان میزان هم نمی‌توان درباره درستی یا نادرستی سیاست‌ها و قوانین این حوزه اظهار نظر دقیقی کرد. در نهایت ممکن است هزینه‌های مالی و انسانی گزافی خرج شود و نتایج قانع‌کننده نباشند. لذا دستیابی به چنین معیاری ضرورت و اهمیت بسیاری دارد. گزارش حاضر، مطالعه‌ای است برای مشخص کردن این معیارها.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

معیارهای مذکور تنها از طریق بررسی نسبت بُعد تعاونی و بُعد دانش‌بنیان بودن این شرکت‌ها با اقتصاد مقاومتی حاصل می‌شود. در خصوص علت بررسی بُعد دانش‌بنیانی با اقتصاد مقاومتی باید گفت، علت این مقایسه به ماهیت شرکت‌های دانش‌بنیان و ماهیت اقتصاد مقاومتی برمی‌گردد. اقتصاد مقاومتی طرحی از اقتصاد ملی است که بر افزایش قدرت ملی، خلق منافع و بازارهای جدید برای اقتصاد کشور، توجه بر جغرافیای سیاسی - اقتصادی ایران در سیاست‌گذاری اقتصادی، مردمی کردن اقتصاد، بومی و درون‌زا کردن اقتصاد تأکید دارد. از طرفی اقتصاد دانش‌بنیان نیز ویژگی‌هایی دارد که به واسطه آن

ویژگی‌ها، هم می‌تواند به اقتصاد مقاومتی کمک‌کننده باشد و هم از آن بهره‌مند شود. از جمله این ویژگی‌ها وفق برخی نظریات اقتصادی توجه بر اثر جغرافیای سیاسی - اقتصادی کشورها و تقاضای برخاسته از آن بر تحریک تولید دانش و تکنولوژی در داخل کشورهاست. از سوی دیگر اقتصاد دانش‌بنیان با تأکید بر نقش خلاقیت و فراروی از هنجارها و دستورالعمل‌های اقتصادی از پیش نگاشته شده با هدف درون‌زا بودن و بومی بودن اقتصاد مقاومتی هماهنگی دارد. از آنجاکه شرکت‌های دانش‌بنیان در اقتصاد دانش‌بنیان، نیروی پیشرو محسوب می‌شوند، بنابراین این گونه از تعاونی‌ها مانند سایر شرکت‌های دانش‌بنیان باید از این جهت که امکان پیگیری قدرت کشور و یکی از ابزارهای مدیریت صحنه جغرافیای اقتصادی کشور هستند، مورد توجه و قانونگذاری قرار گیرند.

درباره بُعد تعاونی بودن نیز باید همچنان پرسید که کدام یک از ویژگی‌های اجتماعی تعاونی‌ها برای اهداف اقتصاد مقاومتی کارکرد دارند. از دیدگاه این گزارش، این ویژگی‌ها به مردمی بودن، شیوه سازماندهی اجتماعی تعاونی و داشتن اهداف اجتماعی باز می‌گردد.

نیروهای نخبه‌دانشگاهی که به تنهایی امکان سرمایه‌گذاری ندارند و یا در سپردن ایده‌شان به یک سرمایه‌گذار نگران اثر تصمیمات سهام‌داران هستند، می‌توانند در قالب تعاونی، با داشتن حق رأی برابر، شرکت دانش‌بنیان خود را داشته باشند. به این شکل، تعاونی‌های دانش‌بنیان می‌توانند در راستای هدف مردمی کردن اقتصاد، شکستن انحصارها و شریک کردن تعداد بیشتری از نخبگان در نقطه تولید، دانش و تکنولوژی، کمک‌کننده باشند.

تعاونی‌های دانش‌بنیان به سبب تعاونی بودن، علی‌القاعده باید در کنار اهداف اقتصادی، اهداف اجتماعی و خیر عمومی را هم تعقیب کنند. بنابراین شناسایی این نقاط و هدایت این تعاونی‌ها به حضور در این حوزه یک اقدام مهم است. برای نمونه، دانش‌بنیان شدن برخی از تعاونی‌های حوزه کشاورزی، تعاونی‌هایی توسعه و عمران شهرستان، تعاونی‌های توسعه روستایی، تعاونی‌های تولیدی - که نیمی از تعاونی‌های کشور را تشکیل می‌دهند - بستری را فراهم می‌آورد تا در مناطقی که مشکل بیکاری، مهاجرت نخبگان محلی



بر اساس نتایج این تحقیق و با توجه به اینکه قانون بخش تعاونی اقتصاد ایران، پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نوشته شده، بهترین پیشنهاد قانونگذاری در این حوزه، اصلاح قانون این بخش معطوف به مسائل جدید است. به ویژه در باره قوانین حمایتی، قوانین توانمندسازی، آموزشی و بازتعریف تعاونی‌ها مناسب است مسائل جدید مورد نظر قرار گیرد و اولویت‌های جدیدی تعریف گردد تا توزیع امکانات در این بخش، به حداکثر بازدهی منجر شود.

برای پژوهش‌های آتی نیز پیشنهاد می‌شود، موقعیت کنونی و میدانی تعاونی‌های دانش‌بنیان و نسبت مسائل‌شان با قوانین موجود بررسی شود تا گام دیگری در راستای حفظ قوانین مؤثر و بهبود سایر قوانین بتوان برداشت.

و عدم توانایی مردم در ایجاد اشتغال برای خود وجود دارد و حوزه‌هایی که بخش خصوصی یا دولتی تمایلی به سرمایه‌گذاری در آن موارد ندارد، بتوانند علاوه بر کسب سود، مشکلی از مشکلات اجتماعی را رفع کنند.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

برای داشتن سیاست‌ها و قوانین مؤثر و واقع‌بینانه که باعث شوند این نوع تعاونی‌ها ضمن حفظ معنا و ماهیت تعاونی، حداکثر بهره‌وری را برای خود و برای منافع ملی نیز داشته باشند باید نسبت بین اقتصاد مقامتی با اقتصاد دانش‌بنیان از یک سو و نیز اقتصاد مقاومتی با کارکردهای اجتماعی تعاونی از سوی دیگر، همواره مورد توجه قرار گیرند.

۱. مقدمه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نوآوری‌ها و پیشرفت‌های صنعتی طی دهه‌های اخیر در سطح جهان حاصل فعالیت‌های نوآورانه شرکت‌های دانش‌بنیان بوده است [۱]. شرکت‌های دانش‌بنیان بر اساس الگوی عمل‌گرایانه و بارویکردی کیفی متأثر از اقتصاد دانش‌محور شکل گرفته‌اند و در عمر کوتاه خود به پایدارترین اقتصادها در جهان مبدل شده‌اند. طبق آمار شبکه دانش‌بنیان ایران [۲]، در کل کشور بیش از ۹۰۰۰ شرکت دانش‌بنیان وجود دارد [۳] که از این میان حدود ۱۳۰ شرکت به عنوان «تعاونی دانش‌بنیان» ثبت شده و مورد تأیید کارگروه ارزیابی شرکت‌های دانش‌بنیان قرار گرفته‌اند [۴]. این شرکت‌ها در ایران، نوپا هستند و به همین جهت آمار و مطالعات قابل اتکائی از آنها در دست نیست. گفتنی است که آمار جهانی دقیقی هم از این قسم تعاونی‌ها در دست نیست، اما می‌توان گفت تقریباً عمده فعالیت آنها در حوزه کشاورزی است. موضوع تغییرات اقلیمی، نیاز به اطلاعات خاص برای بازاریابی و نیاز به افزایش کیفیت و کمیت محصولات کشاورزی باعث شده است فعالان بخش کشاورزی و خصوصاً تعاونی‌های مرتبط با بخش کشاورزی در کشورهای مختلف دریابند، ادامه کشاورزی و ادامه تعاونی‌های کشاورزی بدون دانش‌بنیان شدن مقدور نیست [۵]. در جدول (۱) می‌توان یک نمای کلی از تمام تعاونی‌های دانش‌بنیان به دست آورد.

جدول ۱. توزیع تعاونی‌های دانش‌بنیان تا پایان سال ۱۴۰۲ به تفکیک استان و نوع شرکت تعاونی دانش‌بنیان

ردیف	استان	انواع تعاونی دانش‌بنیان دارای مجوز تأیید شده تعاونی و دانش‌بنیان									
		دارو و فرآورده‌های درمانی	برق و الکترونیک	مواد و محصولات مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته شیمیایی	فناوری زیستی کشاورزی و صنایع غذایی	ماشین‌آلات	صنایع فرهنگی صنایع خلاق، علوم اجتماعی و انسانی	وسایل تجهیزات و ملزومات پزشکی	خدمات تجاری‌سازی	فناوری اطلاعات و ارتباطات	جمع کل استان
۱	آذربایجان شرقی	۱		۳							۴
۲	آذربایجان غربی				۱	۱					۲
۳	اردبیل	۱			۱						۲
۴	اصفهان		۱	۱	۱						۳
۵	البرز		۱	۲	۳						۶
۶	بوشهر		۲	۱							۳
۷	تهران	۶	۳	۱	۴	۱	۱	۲	۲	۲	۲۵
۸	چهارمحال و بختیاری				۱						۱
۹	خراسان رضوی		۲		۱	۲				۴	۱۵
۱۰	خراسان شمالی			۱							۱
۱۱	خوزستان		۱		۱						۲
۱۲	زنجان			۱	۱						۲
۱۳	سمنان		۱		۱				۱		۴
۱۴	سیستان و بلوچستان	۱		۱	۲	۱			۱		۶
۱۵	فارس		۲	۲					۲	۲	۷
۱۶	قم			۲	۲						۴
۱۷	کردستان		۱						۱		۲
۱۸	کرمان		۱	۲	۱						۴
۱۹	کرمانشاه								۱		۱
۲۰	کهگیلویه و بویراحمد				۱						۱
۲۱	گلستان		۱	۱	۱	۲					۵
۲۲	گیلان		۱		۱						۲
۲۳	لرستان	۱									۱
۲۴	مازندران		۱	۱	۱						۳
۲۵	مرکزی			۱	۱						۲
۲۶	همدان	۱		۱	۱	۲					۵
۲۷	یزد		۲	۴	۱	۴			۱		۱۴
	جمع کل نوع تعاونی	۱۱	۲۱	۲۶	۱۶	۲۳	۱	۲	۱۲	۱۲	۱۱۸

مأخذ: آمار ارائه شده از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در اسفندماه سال ۱۴۰۲.



همان‌طور که مشاهده می‌شود ۲۷ استان در کشور تعاونی دانش‌بنیان ثبت شده دارند که در این بین سه استان تهران با ۲۰ عدد، یزد با ۱۴ عدد، خراسان رضوی ۱۰ تعاونی دانش‌بنیان جزو سه استان برتر کشور به لحاظ تعداد تعاونی‌های ثبت شده دانش‌بنیان تأیید نهایی شده هستند. بقیه استان‌ها کمتر از ۱۰ تعاونی دارند. همچنین استان‌های خراسان شمالی و خراسان جنوبی، قزوین، هرمزگان، ایلام فاقد تعاونی دانش‌بنیان با تأییدیه هستند.

موضوع مورد بحث دیگر براساس داده‌های این جدول اینک، در ایران این تعاونی‌ها با موضوعات مختلفی شکل گرفته‌اند و تقریباً این‌گونه است که هر شرکت دانش‌بنیانی می‌تواند به‌عنوان تعاونی ثبت شود. اولین مشکل از همین‌جا بروز می‌کند و همین امر انتقادهای و مشکلاتی را ایجاد کرده است. برای مثال در ماهیت تعاونی بودن این شرکت‌ها می‌توان تردید کرد. متأسفانه از آنجایی که در قوانین مرتبط با بخش تعاون، هیچ تعاونی‌ای ملزم نیست اهداف اجتماعی خود را به‌طور شفاف ذکر کند، این امکان وجود دارد که هر شرکتی در قالب تعاونی ثبت شود. از طرف دیگر این وضع ما را با این مسئله مواجه می‌کند که آیا به واقع هر شرکت دانش‌بنیانی با هر موضوعی بتواند به‌صورت تعاونی ثبت شود کارآمدتر است یا بهتر بود تعاونی‌های دانش‌بنیان در حوزه‌های خاصی از اقتصاد کشور تشکیل می‌شدند؟ برای روشن‌تر شدن مسئله می‌توان به متن قانون نیز توجه کرد. در سند توسعه بخش تعاون مصوب سال ۱۴۰۲ هیئت‌وزیران موضوع بند «الف» ماده (۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم، در بند «الف» ماده (۹) ذیل عنوان اهداف کمی بخش تعاون، سهم بخش تعاون از کل شرکت‌های دانش‌بنیان، در پایان چشم‌انداز ۱۰ ساله را ۴۰٪ تعیین کرده است. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا باید ۴۰٪ از کل شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران تعاونی شوند؟ این عدد از کجا آمده و چرا هیچ توجهی به نوع و موضوع فعالیت این تعاونی‌ها نشده است؟

این موارد نشان می‌دهد که قانونگذار و سیاستگذار هدف خاصی جز تشکیل شرکت تعاونی نداشته است. هیچ راهبرداقتصادی و هیچ توجهی به کارکردهای تعاونی‌های دانش‌بنیان نشده است که اگر می‌بود، جایابی و هدف‌گذاری‌های معنادارتری باید در متن قانون آورده می‌شد.

اگر دریافت درستی از ماهیت، کارویژه و جایگاه تعاونی‌های دانش‌بنیان در سیاست اقتصادی کشور وجود نداشته باشد و تلاش نشود که آنها ضمن حفظ ماهیت واقعی یک تعاونی به فعالیت بپردازند، چنین قوانینی می‌تواند پیامدهای عدیده‌ای ایجاد کند. حجم زیادی از نیروی انسانی و منابع مالی را به‌نحوی مصرف کند که سود و عواید احتمالی آن چندان قابل محاسبه و اتکال نباشد. نظر بر اهمیت موضوع، گزارش حاضر تلاش می‌کند تا با تکیه بر ابعاد اجتماعی و کارویژه‌های تعاونی بودن این شرکت‌ها و تعریف آنها در مدار اقتصاد مقاومتی که هم به لحاظ قانونی و هم به لحاظ نسبتی که این طرح با اقتصاد دانش‌بنیان و نیز موقعیت فعلی ایران دارد و اجدهمیت است - معیاری برای یافتن این نقاط خاص در صحنه اقتصادی کشور به‌دست آورد. در واقع تا این نسبت مشخص نشود، نمی‌توان از عملکردها در این حوزه پرسید. بدون دانستن این نسبت مشخص نخواهد شد که یکصد تعاونی دانش‌بنیان کم هستند یا کافی و یا اساساً ضرورتی برای ایجاد آنها در کار بوده است یا خیر؟ همچنین مشخص نخواهد شد که قوانین برای حمایت از تعاونی‌های دانش‌بنیان راهبرد خاصی داشته‌اند یا صرفاً یک طرح سخاوتمندانه بی‌قید و شرط برای گروهی از فعالان این عرصه هستند. در واقع توجه به این موضوع و لحاظ کردن آن، مقدمه ضروری هر نوع سیاستگذاری و قانون‌نویسی در این حوزه است.

در ادامه این گزارش پس از مروری مختصر پیرامون سوابق پژوهشی موضوع، برای روشن شدن نسبت تعاونی‌های دانش‌بنیان با اقتصاد مقاومتی ابتدا اهداف و ماهیت اقتصاد مقاومتی را مرور خواهد کرد، سپس ماهیت و مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و شرکت‌های دانش‌بنیان که در پیگیری اهداف اقتصاد مقاومتی مؤثر هستند را مشخص می‌کند و در نهایت ابعاد اجتماعی تعاونی‌های دانش‌بنیان که در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی کارکرد دارند، را بررسی خواهد کرد تا بتواند دقیق‌تر نشان دهد که بهترین موضوع فعالیت برای تعاونی‌های دانش‌بنیان چگونه به‌دست خواهد آمد. همچنین بتواند پیشنهادهایی برای قانونگذاری، سیاستگذاری و پژوهش بیشتر در این حوزه ارائه دهد.



توسعه دانش و اقتصاد، اهمیت نهادها را مورد توجه قرار داده‌اند. برای نمونه، چندلر^۴ اثر ساختار بنگاه‌ها را همچون یک نهاد بر استراتژی آنها بیان می‌دارد. برخی دیگر هم بر ساختارهای کلان و محیط نهادی و همچنین برخی بر بررسی علل تفاوت عملکرد بنگاه‌های اقتصادی در کشورها و دولت‌های مختلف تمرکز دارند. تأکید بر توجه به اثر نهادهای خرد و کلان به‌طور هم‌زمان بر رشد علم و فناوری در اقتصاد نیز از دستاوردهای دیگر نهاد‌گرایان به‌شمار می‌رود. آنها ساختارهای نهادی جامعه را شامل نهادهای رسمی و غیررسمی مانند قوانین، هنجارها و ارزش‌ها نیز می‌دانند که در مطالعات اثر بر ساختار انگیزشی جامعه مورد استفاده قرار می‌دهند. برای مثال پژوهش‌هایی که تلاش می‌کنند نشان دهند چگونه تأکید بر تولید همچون ارزش در برابر رانت همچون یک ضد ارزش اثر دارد [۱۰].

۳ سایر نظریه‌ها و رویکردها

علاوه بر این دو پارادایم نظری که عمده‌ترین نقش را داشته‌اند، جریان‌های فکری دیگر در حیطه اقتصاد هم بر ابعاد و جزئیات اقتصاد دانش‌بنیان مؤثر بوده‌اند. برای مثال پساکینزی‌ها همچنان علاقه دارند در قالب گفتار عرضه و تقاضا، رشد علم و نوآوری را محصول تقاضای مؤثر بر آن بدانند. برخی اقتصاددانان سیاسی بر نیروی تضادهای درونی جوامع بر سرنوشت رشد دانش در اقتصاد تأکید می‌ورزند. جریان‌های موسوم به اقتصاد بوم‌شناختی و جغرافیایی نیز توجه به شرایط منطقه‌ای و جغرافیای اقتصادی و سیاسی را بر خلق دانش و فناوری مؤثر می‌دانند. اقتصاددانان رفتاری نیز بر تبیین رفتارهای عادت‌واره و عقلانی و نیز روال‌ها و الگوهای رفتاری در تصمیم‌گیری‌های سیاستمداران و جامعه را دارای عاملیت می‌دانند [۱۱].

ادبیات نظری مرور شده در این بخش به برخی نظریات اقتصادی در مکاتب علم اقتصاد می‌پردازد که به‌لحاظ نظری قابل ربط دادن به مفاهیم اساسی اقتصاد دانش‌بنیان، نقش و عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان هستند. این نظریات بر رویکردهای سیاستی و قانونگذاری در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان در جهان اثرگذار بوده‌اند. براساس رویکردهای حاکم بر این حوزه می‌توان دیدگاه علمی وسیع‌تری نسبت به ماهیت و مؤلفه‌های اساسی اقتصاد دانش‌بنیان در اختیار داشت.

۱ رویکرد اتریشی

رویکرد اتریشی با برجسته‌سازی ذهن‌گرایی و طرح فردگرایی پویا که راه را برای خلاقیت و شکستن مرزهای موجود باز کرده است، با حضور دو اندیشمند مطرح یعنی جوزف شومپیتر^۱ و میزس^۲ به‌زعم برخی [۶] عمیق‌ترین ارتباط نظری با مختصات اقتصاد دانش‌بنیان و ویژگی‌های بنگاه‌ها و کارآفرین دانش‌بنیان را دارد. نظریات هایک^۳ توجه به سرشت پراکنده دانش و جایگاه ساختار تولید و توزیع دانش در توسعه اقتصادی - اجتماعی را پیش کشید [۷] و شومپیتر با انگاره «تخریب خلاق» بر شکستن ساختارهای ذهنی و عینی و اصالت نوآوری و محوریت کارآفرینی در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان مؤثر واقع شد [۸]. میزس نیز با نقد درکی که از محاسبه در علم اقتصاد رایج وجود دارد، امکان‌های جدیدی را برای فرارفتن از سیستم‌های بسته و محصور طرح‌های توسعه و اقتصاد گشود [۹].

۲ رویکرد نهادی

نظریات متفکران این رویکرد در توسعه دانش و نوآوری در اقتصاد گسترده است. به‌طور اجمالی می‌توان گفت در همه آنها در موضعی برابر رویکرد علم اقتصاد کلاسیک و تأکید بر نقش اتونومی بازار بر

1. Joseph Alois Schumpeter
2. Ludwig Heinrich Edler von Mises
3. Friedrich August von Hayek
4. Chandler



۳-۱. پیشینه مطالعاتی

در بین پژوهش‌های انجام شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، با موضوع اقتصاد دانش بنیان و یا اقتصاد مقاومتی پژوهش‌های متعددی با موضوعات مختلفی انجام شده است، اما به لحاظ موضوعی این چند مورد قرابت بیشتری با پژوهش حاضر دارند:

۱- دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن با اهتمام آقابیگی و میرجلیلی، شاخص‌های کلی جهت رصد عملکرد صنعت پتروشیمی در راستای اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را طی مطالعه‌ای استخراج کرده‌اند [۱۲]. از جمله شاخص‌های مرتبط با دیپلماسی تجاری و حمایت از صادرات این بخش، شاخص‌های مرتبط با پیشتازی اقتصاد دانش بنیان در صنعت پتروشیمی، شاخص‌های مرتبط با بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف در این صنعت. از بین این شاخص‌ها توجه به تجارت خارجی و تلاش برای خلق منفعت در خارج از کشور از جمله شاخص‌های عمومی اقتصاد مقاومتی است که صرفاً به صنعت پتروشیمی تعلق ندارد و می‌تواند برای هر پژوهشی در این حوزه مورد توجه قرار گیرد.

۲- دفتر مطالعات حقوقی با همکاری مهدی بهرامی حسن‌آبادی، امین‌اله پاک‌نژاد و محمد برزگر خسروی، تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین را از منظر سیاست‌های کلی نظام بررسی کرده‌اند [۱۳]. در این مطالعه، ارتقای جایگاه شرکت‌های دانش بنیان در بند «۲» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته و نشان داده شده است که شرکت‌های دانش بنیان برای اقتصاد مقاومتی از جهت افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان، دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان و پیشتازی این اقتصاد اهمیت دارند.

در دیگر محافل علمی کشور نیز پژوهش‌هایی با عناوین مختلف در حوزه اقتصاد دانش بنیان یا ارتباط اقتصاد دانش بنیان با اقتصاد مقاومتی و یا پژوهش‌هایی که تحت عناوین مختلف بر روی تعاونی‌های دانش بنیان کار کرده‌اند به حدی زیاد است که نمی‌توان به سادگی فهرستی از آنها را در یک پژوهش ارائه داد. از سوی دیگر این پژوهش‌ها، رویکردی به مقوله اقتصاد مقاومتی داشته‌اند که از رویکرد پژوهش حاضر متفاوت است. بر این اساس دستاوردهای‌شان نیز چندان قابل استفاده در این گزارش نیست.

مرور انجام شده در این قسمت، به برخی از پژوهش‌های مرتبط که علاوه بر کار نظری، پژوهشی میدانی یا ارائه مدل مطالعاتی و مفهومی داشته‌اند، تنها برای نمونه اشاره خواهد داشت.

بیژن عبدی و روح‌اله کهن‌هوش‌نژاد، در پژوهشی تحت عنوان «نقش اقتصاد تعاونی در تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی» با تمرکز بر ویژگی مردمی بودن اقتصاد مقاومتی و ماهیت مردمی اقتصاد تعاونی، سعی در ارائه یک مدل مفهومی در این جهت داشته‌اند [۱۴]. آنچه از این پژوهش برای گزارش پیش‌رو سودمند است، توجهی است که به مقوله مردمی‌سازی اقتصاد با ابزار تعاونی‌ها شده است. علیرضا جمشیدی و همکارانش، طی پژوهشی در سال ۱۳۹۸، با روش داده بنیاد به مطالعه «توسعه اشتغال دانش بنیان در بخش تعاونی‌های کشاورزی» پرداخته‌اند [۱۵]. این پژوهش نیز به واسطه افق دیدی که دانش بنیان شدن تعاونی‌های سنتی بخش کشاورزی دارد، برای گزارش حاضر مفید بوده است. سید عبدالرضا حسینی، نیز در پژوهشی تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی، مبانی، الزامات و راهکارهای اجرایی» الگو و مفاهیم بنیادین اقتصاد مقاومتی را استخراج کرده که ویژگی دانش بنیانی و کارآفرینی در این الگو برای رویکردی که تحقیق حاضر دارد قابل استناد و استفاده است [۱۶].

حسین صفرزاده و همکارانش، با استفاده از تحلیل ماتریس اهمیت - عملکرد، تأثیر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر تجاری‌سازی محصولات دانش بنیان را در مراکز رشد استان گلستان و مازندران سنجیده‌اند و نتیجه پژوهش میدانی آنها نشان می‌دهد، اجرا و پیگیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر رشد تجاری‌سازی محصولات دانش بنیان اثر مستقیم داشته است [۱۷]. این دستاورد برای ادعای گزارش حاضر مبنی بر اثر متقابل اقتصاد مقاومتی با اقتصاد دانش بنیان قابل استناد است.

از درجه ارتباط بین اقتصاد مقاومتی با اقتصاد دانش بنیان اگر به این پژوهش‌ها نگاه کنیم، اکثر آنها در ایران تقریباً حول و حوش این دو محور می‌گردد که یا نشان داده‌اند چگونه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی سبب بهبود وضعیت شرکت‌های دانش بنیان می‌شود و یا نشان داده‌اند که اقتصاد دانش بنیان چه کمکی می‌تواند به تحقق اقتصاد مقاومتی بکند.

نکته حائز اهمیت اینکه هیچ‌یک از پژوهش‌ها، تاکنون به موضوع

۲-۳. پیشینه قانونی

فهرست کل قوانین، آیین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و بخشنامه‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به اقتصاد دانش‌بنیان، تعاونی‌های دانش‌بنیان و در نهایت اقتصاد مقاومتی مرتبط هستند شامل مواردی است که در جدول زیر آمده است. در این جدول به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد که کدام قوانین به‌طور مستقیم به تعاونی‌های دانش‌بنیان مرتبط هستند و براساس کدام قوانین می‌توان اهداف اقتصاد مقاومتی را استخراج کرد. از سوی دیگر این جدول کمک می‌کند به‌هنگام تحلیل نقاط مشترک اقتصاد مقاومتی و تعاونی‌های دانش‌بنیان بدانیم کدام قوانین قابل‌ارجاع هستند.

تعاونی‌های دانش‌بنیان و یا نسبت این تعاونی‌ها با اقتصاد مقاومتی نپرداخته‌اند. ضمن اینکه نسبت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد دانش‌بنیان از جهت ماهیت و روح کلی اقتصاد مقاومتی بررسی نشده است. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی از این منظر است که تعاونی‌های دانش‌بنیان را به جهت نسبت با اقتصاد مقاومتی از حیث دانش‌بنیان بودن و آثار اجتماعی‌شان مورد بررسی قرار می‌دهد.



جدول ۲. قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد مقاومتی و تعاونی‌های دانش‌بنیان**

ردیف	عنوان قانون	ارتباط مستقیم / غیرمستقیم با اقتصاد دانش‌بنیان	ارتباط مستقیم / غیرمستقیم با اقتصاد مقاومتی	ارتباط مستقیم / غیرمستقیم با تعاونی‌های دانش‌بنیان
۱	قانون اساسی	-	-	ارتباط غیرمستقیم با این توضیح که مسئله تعاونی در اصول چهل و سوم و چهل و چهارم قانون اساسی آمده است
۲	سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی	ارتباط غیرمستقیم	ارتباط غیرمستقیم	-
۳	سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط غیرمستقیم
۴	قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران	غیرمرتبط	غیرمرتبط	غیرمرتبط
۵	برنامه هفتم توسعه	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم	-
۶	سند توسعه بخش تعاون مصوب ۱۲ اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲	ارتباط غیرمستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم
۷	سیاست‌های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی	ارتباط غیرمستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط غیرمستقیم
۸	سیاست‌های کلی اشتغال	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط غیرمستقیم
۹	سیاست‌های کلی کشاورزی	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم
۱۰	سیاست‌های کلی نظام در امور تشویق سرمایه‌گذاری	ارتباط غیرمستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط غیرمستقیم
۱۱	سیاست‌های کلی علم و فناوری، ۱۳۹۶/۶/۲۹	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط غیرمستقیم
۱۲	قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب هیئت‌وزیران ۱۳۸۹/۸/۳	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم
۱۳	آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری و اختراعات	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم
۱۴	قانون جهش تولید دانش‌بنیان ۱۴۰۱/۲/۳۱	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم
۱۵	بخشنامه قانون جهش تولید دانش‌بنیان ۱۴۰۱/۳/۱۱	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم	ارتباط مستقیم
۱۶	اساسنامه تعاونی‌های دانش‌بنیان	ارتباط مستقیم	غیرمرتبط	ارتباط مستقیم
۱۷	قانون اتحادیه سراسری شرکت‌های تعاونی دانش‌بنیان	ارتباط مستقیم	غیرمرتبط	ارتباط مستقیم
۱۸	اساسنامه اتحادیه سراسری شرکت‌های دانش‌بنیان	ارتباط مستقیم	غیرمرتبط	غیرمرتبط
۱۹	شیوه‌نامه ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان در بخش کشاورزی	ارتباط مستقیم	ارتباط غیرمستقیم	ارتباط غیرمستقیم

**ارتباط مستقیم به معنای آن است که مستقیماً عنوان اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد مقاومتی یا تعاونی دانش‌بنیان در سند مذکور آمده باشد و ارتباط غیرمستقیم یعنی نام صریحی در قانون یا بخشنامه و آیین‌نامه مذکور نیامده است، اما منطقاً یا براساس هدف قانونگذار می‌توان ارتباطی با موضوع اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد مقاومتی و تعاونی دانش‌بنیان برقرار کرد.

از تعاونی‌های دانش‌بنیان است و دو قانون دیگر به نقش‌دهی به تعاونی‌های دانش‌بنیان در اقتصاد ملی پرداخته‌اند. بنابراین می‌توان گفت، قوانین کشور آمادگی و زمینه لازم برای بازیگری و نقش‌آفرینی تعاونی‌های دانش‌بنیان را ایجاد نکرده‌اند، البته این نتیجه‌گیری صرفاً براساس کمیت متون و مواد قانونی است. ارزیابی اصلی زمانی مقدور می‌شود که بعد منحصربه‌فرد تعاونی‌های دانش‌بنیان برای اقتصاد مقاومتی آشکار شود. بعد از آن می‌توان در پژوهشی مقتضی، نسبت قوانین با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مورد تحلیل قرار داد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، به سبب اینکه پیش از سیاست‌های کلی نظام در خصوص اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد مقاومتی و طرح تأسیس تعاونی‌های دانش‌بنیان نوشته شده، از این جهت‌گیری خالی است و همین امر نیاز به، به‌روزرسانی این قانون را مشخص می‌کند. نکته حائز اهمیت دیگر برای گزارش حاضر این است که وفق این جدول مشخص می‌شود قوانین بسیار کمی (ارجاع به ردیف‌های شماره ۶، ۹ و ۱۲) صرفاً به تعاونی‌های دانش‌بنیان پرداخته‌اند که از این میان یک قانون مرتبط با تأسیس و حمایت

۴. نسبت تعاونی‌های دانش‌بنیان با اقتصاد مقاومتی



آورده شود که نشان دهد حضور شرکت‌های دانش‌بنیان چگونه بر خلاقیت و پیشرو بودن اقتصاد کشورها می‌افزاید. تمام این موارد صحیح است، اما توضیح از زاویه دید «بدیهی‌انگاران»، بسندگی کافی ندارد. این نابسندگی از کجا حاصل می‌شود؟ اول؛ از آنجاکه نمی‌تواند روایت متقنی از نحوه ایجاد و ریشه گرفتن امور در توسعه را توضیح دهد. ایجاد کارخانه‌ها و افزایش تعداد آنها نمی‌تواند به تنهایی باعث صنعتی شدن یک کشور شود. وارد کردن وسایل مکانیزه به کشاورزی به معنای صنعتی شدن کشاورزی نیست. به همین ترتیب صرف تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان نمی‌تواند اقتصاد دانش‌بنیان خلق کند.

دوم؛ چنین توضیحاتی نمی‌تواند نیروهای سیاسی و اجتماعی حمایتگری برای امور خلق کنند. نیروهای علمی، سیاسی و اجتماعی زمانی به حمایت همه‌جانبه و واقعی از امری برمی‌خیزند که دریابند آن امر با بقای آنها چه نسبتی دارد. این بقا، صرفاً بقای مادی نیست. گروه‌ها و ملت‌ها از سر معنا و آرمانی دور هم جمع شده‌اند. اگر بدانند که امری برای معنای با هم بودنشان چه ضرورتی دارد، با وضع متفاوت‌تری آن را پیگیری می‌کنند. در غیر این صورت آن امر با وضعی سرد و بی‌حالت و باری به هر جهت، یا همچون باری سنگین که باید کشیده شود، خود را بر بودجه عمومی و سیاست‌های کشور تحمیل می‌کند.^۱ در این صورت، آن امر در میدان عمل به مشکلات بسیاری برخورد می‌کند و مدام با

برای پرداختن به نسبت «تعاونی‌های دانش‌بنیان» با «اقتصاد مقاومتی» باید ابتدا نسبت «اقتصاد دانش‌بنیان با اقتصاد مقاومتی» مشخص گردد تا کارکرد وجه دانش‌بنیان آنها مشخص شود. بنابراین تلاش می‌شود ابتدا روح و ماهیت اقتصاد مقاومتی و ضرورتی که اقتصاد دانش‌بنیان را برای آن پیش کشیده است مشخص شود. بعد از این مرحله نیز نسبت وجه تعاونی بودن این شرکت‌ها با اهداف اقتصاد مقاومتی بررسی می‌شود.

۴-۱. نسبت اقتصاد دانش‌بنیان با اقتصاد مقاومتی

ایران، شرکت‌ها و تعاونی‌های دانش‌بنیان را برای چه می‌خواهد؟ چه الزامی برای تطبیق اقتصاد دانش‌بنیان به‌طور اعم و تعاونی‌های دانش‌بنیان به‌طور اخص با اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ دلیل حضور دانش‌بنیان‌ها آنقدر منطقی و طبیعی می‌نماید که چنین پرسشی ابتدا بی‌وجه به نظر می‌رسد. مانند سایر مظاهر توسعه، به نظر می‌آید شرکت‌های دانش‌بنیان فی‌نفسه خوب و لازم هستند و برای توسعه اقتصادی کشور «طبیعتاً» به آنها نیاز است. گفتارهایی که امور را به‌نحو بدیهی و طبیعی توضیح می‌دهند، در مواجهه با پرسش فوق ممکن است دست به ارائه آمارهایی بزنند که از طریق آنها مشخص کنند کیفیت و کمیت تولید، توزیع، تجارت و جایگاه اقتصادی کشور در میان سایر کشورها به واسطه اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند بهبود پیدا کند. یا ممکن است استدلال‌هایی

۱. یک نمونه از پیگیری بدون درک نسبت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد دانش‌بنیان و اکتفا به صرف مولفه‌های صوری این شده است که حتی شرکتی برای تولید اتانول و اتیلن نیز مجوز دانش‌بنیان گرفته است. این نحوه برخورد در نهایت به تولید آمارهای کمی بالا و کیفیت پایین یا قرار گرفتن تعاونی‌های دانش‌بنیان در جایی که نباید باشند منجر می‌شود.



عنوان «دولت عقلانی و سیاست‌های اقتصادی» به این نکته اشاره می‌کند که توجه به قدرت ملی در تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی باید محوریت داشته باشد. او با داده‌های تاریخی متعدد و مقایسه تلاش‌ها و تصمیمات اقتصادی کشورهای مختلف در ادوار تاریخ، نشان می‌دهد بعد از عصر مریکانتیلیسم که نخستین سیاست اقتصادی ملی در توجه به «تراز تجاری» پدیدار شد، هدف تصمیمات یک کشور «ناگزیر» باید «تقویت قدرت رهبری دولت ملی در خارج» باشد تا امکان داشتن سیاست اقتصادی و تداوم آن برای کشور وجود داشته باشد [۱۹]. سایر کشورها تنها می‌توانند در مدار چنین کشورهایی قرار بگیرند و سیاست‌های اقتصادی آنها در نهایت به نفع نظم اقتصادی چنین کشورهایی نیز تمام می‌شود. چین تا پیش از اینکه بخواهد جاده ابریشم را احیا کند و به این طریق در مناطق اقتصاد ژئوپلیتیکی جهان حاضر شود، بخشی از نظم اقتصادی غالب بر جهان بود. کمپانی‌های معروف آمریکایی بدون اینکه احساس خطر کنند در آن سرمایه‌گذاری می‌کردند. با طرح چشم‌انداز «راه ابریشم نو» چین تصمیم گرفت برای صادرات همان محصولات سابق خود به همان بازارها، مسیری نو بسازد. اجرای طرح‌های جاده و کمربند، مرزهای ملی میان چین و کشورهای شریک تجاری‌اش در آن سوی جهان که تا پیش از این بدون هیچ تقابلی در دادوستد بودند را پررنگ کرد. چه چیزی تغییر کرده بود که اروپا و آمریکا به کمپانی‌های خود فراخوان بازگشت از چین دادند و جهان تالبه جنگی فراگیر پیش رفته است؟ آیا چیزی جز این است که چین با این تصمیم اقتصادی، دیگر در جهت بازتولید قدرت این کشورها نیست و خود به یک نیروی جهت‌بخش در جهان می‌تواند تبدیل شود؟ طلب قدرت چنین وضعی را ایجاد می‌کند، اما این طلب چندان هم اختیاری نیست. چین در امتداد وضعیتی که داشت برای حفظ سطح تولید و ادامه تجارت ناچار شد در نهایت تصمیماتی بگیرد که او را از مدار قدرت‌های اقتصادی خارج کند. برای کشوری مانند ایران، که به واسطه واقع شدن در یک جغرافیای سیاسی - اقتصادی خاص، خواه ناخواه سرنوشتش به تصمیمات قدرت‌های دیگر گره خورده است، ایده استقلال همان قدرتی است که می‌تواند به مردم ایران امکان مراقبت از خود در برابر تصمیمات مرتبط با منافع سایر کشورها را بدهد.

این گفته همراه می‌شود که «دولت باید از ما حمایت کند». گویا امور نمی‌توانند خود برپا باشند و مدام نیاز به مقوم دارند و باز در این وضعیت، قانونگذاری و سیاستگذاری معطوف به آن موضوع هم، وضعی بی‌حالت و سرد پیدا می‌کند. در حالی که قانون و سیاست باید بتوانند نیرویی برای خلق امور و حرکت درونباش^۱ آنها در جامعه باشند. اگر چنین است، چگونه می‌توان به پرسش نخست پاسخ داد که معیار مناسبی برای قانون‌نویسی، سیاستگذاری، کار و سنجش عملکرد در حوزه تعاونی‌های دانش‌بنیان به دست آورد؟ پاسخ سؤال در توجه به کارکرد شرکت‌های دانش‌بنیان برای امروز ایران و صحنه کنونی اقتصاد کشور نهفته است. ماهیت اقتصاد دانش‌بنیان، نسبتی با قدرت ملی کشورها دارد. مشخص است که پیگیری اقتصاد در ایران فقط با هدف بهبود وضع معیشتی منظور نیست. چرا که بهبود وضع معیشت هم نسبتی با قدرت و ثبات اقتصاد ملی در مواجهه با چالش‌های درونی و بیرونی دارد. پس شرکت‌های دانش‌بنیان، برای اقتصاد مقاومتی (اقتصاد ملی) از این حیث که می‌توانند قدرت تولید کنند اهمیت دارند. لذا هر تصمیمی درباره آنها باید با این معیار سنجیده شود که آیا این کار و این تصمیم می‌تواند وضعی پدید آورد که شرکت‌های دانش‌بنیان بتوانند بر قدرت اقتصادی و سیاسی ملی بیفزایند؟ برای دستیابی به چنین موقعیتی، ابتدا باید دریافت که قدرت در این مسیر چگونه قابل پیگیری است؟ یعنی شرکت‌های دانش‌بنیان را به چه سمتی باید حرکت داد تا عملشان در جهت تأمین منافع خودشان، در نهایت سبب افزایش قدرت ملی نیز شود. بی‌شک در سنجش قدرت ملی کشورها معیارهای متعددی وجود دارد. مانند وسعت کشور، جمعیت، نقشش در معادلات بین‌المللی، جایگاه علمی، قدرت نظامی ارتش آن کشور و قدرت اقتصادی... اما قدرت اقتصاد ملی تنها از آمار کمی خوب در اقتصاد یا بهبود صرف قدرت خرید حاصل نمی‌شود. برای مثال، عمان سومین پول با ارزش دنیا و اردن تقریباً چهارمین پول با ارزش دنیا را دارند [۱۸]، اما هیچ‌یک از اینها یک کشور قدرتمند یا در حال تبدیل به کشوری قدرتمند در منطقه خود یا بین‌الملل محسوب نمی‌شوند. پس اقتصاد چگونه تمهیدکننده هم‌زمان قدرت اقتصادی و سیاسی یک کشور است؟ ماکس وبر^۲ در درس گفتارهای «تاریخ اقتصاد عمومی» ذیل

1. Autonomic
2. Max Weber (1864-1920).

اقتصادی فراهم کند» [۲۳].

سه ویژگی اساسی توجه به بحران‌های اقتصادی جهانی، الگوی علمی بومی و نقش‌آفرینی مردم در این گفتار حائز اهمیت است. توجه به بحران‌های اقتصاد جهانی مستلزم توجه به برخی مسائل است. مسائلی که بدون درک آنها، فهم آن بحران‌ها و امکان مواجهه با آنها ممکن نیست. از جمله توجه به تغییرات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک. این رویکرد یک پیامد دارد و آن خروج از موقعیت منفعلانه در سیاستگذاری اقتصادی است. جغرافیای اقتصادی - سیاسی کشورها الزاماً با مرزها و سرحدات رسم شده در جغرافیای طبیعی آنها انطباق ندارد گرچه از آن متأثر می‌شود. مهم‌ترین عامل تشخیص مرزهای واقعی یک کشور توجه به نقاطی است که تغییرات آنها با سرنوشت یک ملت ارتباط می‌یابد. در واقع «مرزها جایی‌اند که قدرت از آنجا آغاز می‌شوند. چنین نیست که قدرت حاکمیت هر قلمرویی از مکانی به نام پایتخت به مرزهای قلمرو برسد. وقتی حاکمیت تصمیمی می‌گیرد... مرزهای آن به حدود سیاست بدل می‌شوند... بنابراین مرزها اولین و مهم‌ترین جایی‌اند که مردم و زندگی روزمره‌شان از آنجا آغاز می‌شود و تمام وجوه حیات آنها را در بر می‌گیرد...» [۲۴]. این تعریف از مرز که ویژگی سیالیت مرزهای سیاسی - اقتصادی کشورها را آشکار می‌سازد، ماهیت منافع ملی را هم نشان می‌دهد. این سیالیت محصول تصمیمات دولت‌های ملی برای پیگیری قدرت ملی در خارج از کشور است و بنابراین فرصت‌های خلق منافع ملی همواره در حال بسته شدن و گشوده شدن هستند. رخدادها می‌توانند جغرافیای اقتصادی - سیاسی کشورها را دستخوش تغییر کنند و این تغییرات، همان قدر که می‌تواند داشته‌ها و منافع یک دولت - ملت را در نقطه‌ای از بین ببرد، می‌تواند فرصت جدیدی برای خلق منفعت در زمینی دیگر نیز باشد به شرط آنکه همه اجزای کشور در این بازی سهیم و هم‌جهت شوند.

آن چنان که در صدر این سند و ذیل بند «۱۰» آن تأکید بر خلق فرصت‌های جدید، خلق بازارهای جدید صادراتی، تناسب دادن تولید با نیازهای کشورهای منطقه برای هدفمند کردن صادرات اشاره شده است. یا ذیل بند «۱۲» سند به‌وضوح به «افزایش قدرت اقتصاد کشور» به‌واسطه توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و استقبال از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی «خلق شده» به‌واسطه دیپلماسی اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است.

ویژگی مردمی بودن نیز از همین نقطه اهمیت و معنا می‌یابد.

اگر قدرت دولت ملی، در نهایت در مرزهای اقتصاد ژئوپلیتیکش قابل پیگیری است، پس شرکت‌های دانش‌بنیان باید بتوانند در نهایت نقشی در ارتباط با بازار ملی ایران ایفا کنند و اقتصاد مقاومتی هم باید اقتصادی باشد که کنشگری کشور در بیرون از مرزهای اقتصادی و جغرافیایی داخلی را تمنا کرده باشد. تنها با چنین وضعی این دو می‌توانند در ارتباط حقیقی و هم‌افزا با یکدیگر قرار گیرند.

۲-۴. اقتصاد مقاومتی و پیگیری قدرت ملی

اقتصاد مقاومتی نخستین بار در سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور مطرح شد [۲۰]. پس از زمان ابلاغ «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» در ۲۹/۱۱/۱۳۹۲ تعابیر و تعاریف متفاوتی از اقتصاد مقاومتی از جمله اقتصادهای ریاضتی، موازی، ترمیمی، دفاعی و الگوارائه شده است. در غالب این تعاریف خصوصاً تعاریفی که تعبیر اقتصاد ریاضتی یا دفاعی و مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تحریم‌ها وجود دارد، اقتصاد مقاومتی را ویژه شرایط بعد از تحریم‌ها قلمداد کرده‌اند [۲۱]. اما گفتارهای صریحی از رهبر معظم انقلاب در نقض این تعابیر وجود دارد. از جمله ایشان در سال ۱۳۹۳ طرح اقتصاد مقاومتی را این‌گونه توضیح دادند: «اقتصاد مقاومتی برای کشور ضروری است؛ تحریم باشد هم لازم است، تحریم نباشد هم لازم است. آن روزی که تحریمی هم در این کشور وجود نداشته باشد، اقتصاد مقاومتی برای این کشور ضروری است...» [۲۲].

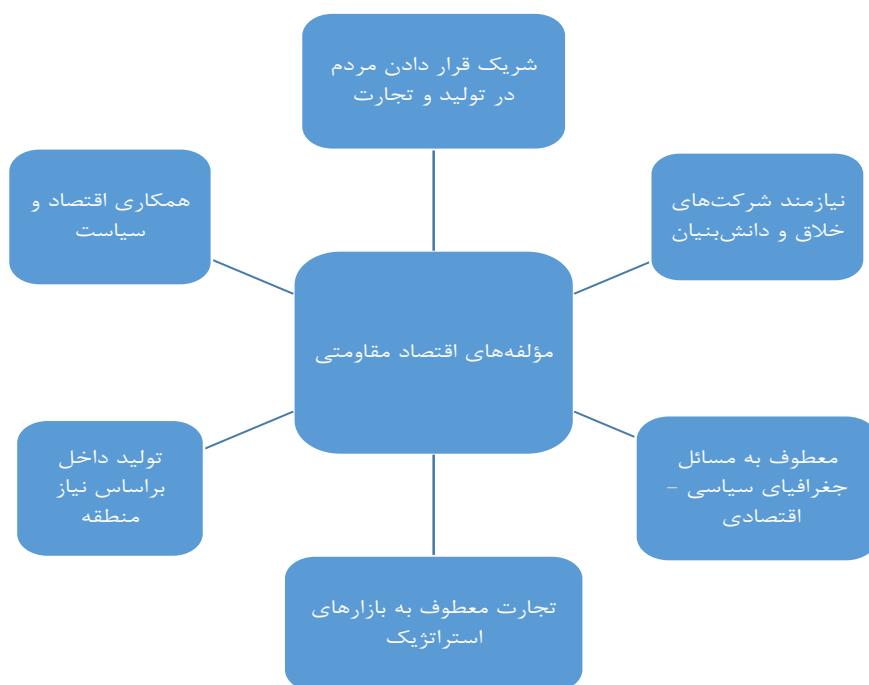
نامیده شدن این طرح به مقاومت در عین فاصله داشتن آن از صرف مسئله تحریم‌ها گواه این است که اقتصاد مقاومتی، در توجه به مرزهای قدرت ملی و منافع ملی ایران، یک اراده برای ساخت و جایابی کشور در پهنه جغرافیای سیاسی - اقتصادی خاص خود است. چه آنکه پیش از آن، «مقاومت» نام پهنه سیاسی ایران شده بود. قرینه و شاهد اثبات این مدعا را همچنان می‌توان در کلام دیگری از ایشان و متن ابلاغیه «سیاست اقتصاد مقاومتی» جست. در ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی رهبری اشاره شده: «پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد، همچنین اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران‌های رو به افزایش جهانی، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصت مناسب را برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه



در این بین مشارکت‌هایی که در ارتباط با نقاطی باشند که تجارت با آنها بتواند برای کشور خلق منافع جدیدی کند، اهمیت مضاعف‌تری می‌یابد.^۱ با این اوصاف اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که بتواند پهنه جغرافیای سیاسی - اقتصادی ایران را گسترش دهد و با نقاطی به تجارت بپردازد که برای ایران امکان خلق منافع جدید داشته باشد و در نهایت بتوان با شریک کردن مردم در این تولید و تجارت، به هم‌جهتی بیشتر منافع فردی با منافع ملی کمک کرد. نمودار ۱ این ویژگی‌ها را به نمایش کشیده است.

هم‌جهت کردن منافع در کشور از این طریق که منفعت ملی، امکان پیگیری منافع شخصی برای آحاد ملت را ایجاد کند گام مهمی در راه مردمی کردن اقتصاد است. هر قدر همکاری دولت و مردم در نقاطی که برای اقتصاد مقاومتی (اقتصاد ملی ایران) اهمیت دارد بیشتر شود، امکان خلق منافع فردی در راستای تقویت قدرت اقتصاد ملی نیز بیشتر می‌شود. چراکه جهت محاسبه سود و زیان مردم و حاکمیت یکسان می‌شود. هر قدر مردم بیشتری به واسطه کار خود در ایجاد مازاد «تراز تجاری» مشارکت کنند، امکان بیشتری برای ثروتمندی و قدرت یک کشور فراهم می‌شود [۲۵].

نمودار ۱. گزاره‌های اساسی در اقتصاد مقاومتی



۳-۴. اقتصاد دانش‌بنیان^۲ و پیگیری قدرت دولت ملی
گرچه توجه به نقش دانش در اقتصاد، سابقه‌ای طولانی در نظریات اقتصادی دارد، اما معنای اقتصاد دانش‌بنیان از کاربرد صرف و ساده دانش در اقتصاد متمایز است. طبق تعریف بانک جهانی، اقتصاد

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که در خود اقتصاد دانش‌بنیان و شرکت‌های دانش‌بنیان چه ویژگی‌هایی وجود دارد که آنها هم به این طریق توان تولید قدرت ملی را دارند و به همین سبب در پیگیری اقتصاد مقاومتی کار کرد خاصی می‌یابند؟

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص اینکه بازار تجاری چگونه می‌تواند به افزایش ثروت و قدرت ملی منجر شود و چه تفاوتی بین دارایی با ثروت وجود دارد می‌توان به این منابع به‌عنوان منابع دست اول رجوع کرد:

- Mun, Thomas, 1571-1641., 2007, A discourse of trade, from England vnto the East-Indies answering to diuerse obiections which are vsually made against the same. By T.M., Oxford TextArchive, <http://hdl.handle.net/20.500.12024/A07886>

-Adam Smith, An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations, London; 1776.

2. Knowledge Based Economy

و کاربرد دانش، همچون عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی صنایع است [۲۸]، اما فراتر از این تعاریف رسمی باید به دنبال ماهیت و جوهره اصلی اقتصاد دانش‌بنیان گشت. این تعاریف صرفاً برخی ویژگی‌های فنی و ظاهری اقتصاد دانش‌بنیان را عنوان می‌دارند. آن‌طور که در بخش ادبیات علمی این حوزه و در نمودار ۲ نیز مشهود است، تأکید بر خلاقیت، شکستن مرزهای عینی و ذهنی، فراروی از برنامه‌های توسعه اقتصادی مرسوم، استقبال از نوآوری، توجه به آثار اقتصاد ژئوپلیتیک بر خلق دانش و فناوری در کشورها، اساس اقتصاد دانش‌بنیان است. لذا می‌بینیم که اقتصاد دانش‌بنیان نیز دقیقاً می‌تواند همان چیزی باشد که برای پیگیری قدرت اقتصادی و ملی، ایران امروز به آن نیاز دارد و از اینجاست که با اقتصاد مقاومتی در نسبتی معنادار قرار می‌گیرد.

دانش‌بنیان (KBE) شامل چهار رکن اصلی است: رژیم‌های اقتصادی و نهادی (نظام انگیزشی)، آموزش و توسعه منابع انسانی، نظام کارای نوآور و اختراعات و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات [۲۶].

طبق تعریف سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که براساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش‌پایه - صنایع دانش‌پایه، صنایعی هستند که در آنها سطح بالایی از سرمایه‌گذاری به ابداع و نوآوری اختصاص یافته، فناوری‌های کسب شده با شدت بالایی مصرف و نیروی کار از تحصیلات عالی برخوردار هستند - منظور نظر قرار می‌گیرند [۲۷]. سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام (APEC) نیز اقتصاد دانش‌بنیان را اقتصادی می‌داند که در آن تولید، توزیع

نمودار ۲. گزاره‌های اساسی در اقتصاد دانش‌بنیان





۵. کارویژه تعاونی‌های دانش‌بنیان در پیگیری قدرت ملی



دانش‌بنیان هستند توقع می‌رود با داشتن تمام این خصائص در مدار اقتصاد مقاومتی برای توسعه قدرت اقتصادی و بازار ملی قرار گیرند، اما این همه کارکردشان نیست. آنها به جهت تعاونی بودنشان نیز حائز ویژگی‌هایی هستند که این ویژگی‌ها نیز می‌توانند در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی نقشی ایفا کنند. جدول ۳ نیز در این مسیر کمک خواهد کرد نقاط تقاطع بیشتری از اقتصاد مقاومتی با تعاونی‌های دانش‌بنیان را بیابیم. این جدول براساس متن «قانون سیاست کلی اقتصاد مقاومتی» تنظیم شده است که نشان می‌دهد براساس کدام اهداف اقتصاد مقاومتی، تعاونی‌های دانش‌بنیان با ویژگی‌های خاص تعاونی بودنشان می‌توانند دربر آورده کردن آن اهداف کمک کنند، البته باید توجه داشت که این گفته به معنای برتری تعاونی‌های دانش‌بنیان بر شرکت‌های دانش‌بنیان غیر تعاونی نیست، بلکه این صرفاً نوعی تفاوت است. تفاوتی که اجازه می‌دهد این قسم از شرکت‌های دانش‌بنیان در جهت خاصی قابل استفاده باشند و نباید چنین تصور شود که می‌توان یا مطلوب است که همه یا بخش بزرگی از شرکت‌های دانش‌بنیان الزاماً در قالب تعاونی در بیابند، اما این ویژگی‌ها کدامند، هر یک چگونه عمل می‌کنند و در کجا بیشترین کارایی و بهره‌وری را می‌توانند داشته باشند؟

آنچه در اقتصاد دانش‌بنیان، کار اصلی را برعهده دارد، شرکت‌های دانش‌بنیان هستند. زیرا علاوه بر سهم‌شان در تولید و توزیع دانش و اطلاعات، بیشترین نیروی نوآوری و خلاقیت را دارند و به همین سبب امکان فراروی از سیستم‌های بسته و محصور طرح‌های توسعه و اقتصاد متداول به واسطه این شرکت‌ها مقدور می‌شود [۲۹]. کشورها در استقبال از جهان بیرون از مرزهای جغرافیایی خود به این ویژگی‌ها نیاز دارند. چنین استقبالی در واقع رفتن به سمت امور نامتعین و تاحدی غیرقابل پیش‌بینی است. اموری که به سادگی تن به محاسبات معمول نمی‌دهند و اصلاً به دلیل همین ویژگی، امکان محاسبه دقیقی هم ندارند. شرکت‌های دانش‌بنیان بالاتر از همه امکاناتی که می‌توانند فراهم آورند، با چنین ویژگی در این جغرافیا، امکان مدیریت بهتری را فراهم می‌آورد و به همان اندازه با خلق و ترویج این روحیه و عبور از ساختارهای ذهنی - مرتبط با درک متداول از محاسبه و اقدام در اقتصاد - بزرگترین نقش ایجاد تغییرات ذهنی را نیز ایفا می‌کنند. واضح است که اثرشان در بالا بردن تولیدات غیر نفتی، فراهم آوردن امکان تجارت خارجی و رقابت در میادین اقتصادی و موارد دیگر هم از کارکردهای دیگرشان در مسیر کسب قدرت اقتصادی کشورهاست. از آنجایی که تعاونی‌های دانش‌بنیان در مرتبه نخست، یک شرکت

جدول ۳. اهداف و الزامات اقتصاد مقاومتی استخراج شده از متن قانون سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

ویژگی بیان شده	ارجاع به سند	ردیف
فرصت‌ساز	صدر سند	۱
مولد		
پیشرو		
کارآفرینی	بند (۱)	۲
مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تأکید بر نقش طبقات کم درآمد		
پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان	بند (۲)	۳
ساماندهی نظام ملی نوآوری		
تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد از طریق به‌کارگیری ظرفیتهای متنوع در جغرافیای مزبتهای مناطق مختلف کشور	بند (۳)	۴

ردیف	ارجاع به سند	ویژگی بیان شده
۵	بند (۶)	افزایش تولید کالاهای اساسی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص
۶	بند (۶)	اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص
۷	بند (۷)	تأمین امنیت غذایی
۸	بند (۸)	برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری محصولات تولید داخل
۹	بند (۱۰)	حمایت از صادرات هدفمند
۱۰	بند (۱۱)	توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته
۱۱	بندهای (۱۲، ۱۳ و ۱۴)	حمایت از صنعت نفت و پتروشیمی

یکی از مشکلات دانش‌آموختگان جوان دانشگاهی^۱ سرمایه‌اندک مالی است که اجازه نمی‌دهد به‌سادگی بتوانند طرح‌های شغلی خود را ایجاد و پیگیری کنند. یکی از دلایل تمایل به استخدام در سازمان‌های دولتی یا مهاجرت به خارج می‌تواند همین مسئله باشد. از طرفی اگر ایده‌شان را در اختیار یک سرمایه‌گذار دیگر بگذارند، اعم از سرمایه‌گذار حقیقی یا حقوقی مانند برخی بانک‌ها، می‌دانیم که ممکن است با مدیریت شرکت بر خلاف مصالح ایده‌شان مواجه شوند، اما در شکل تعاونی افراد فارغ‌التحصیل می‌توانند با سرمایه‌اندک گردهم آیند و هر یک با داشتن حق رأی برابر، از ایده خود با ضریب اطمینان بیشتری در شرکتی که از آن خودشان است، مراقبت کنند. این یک امکان و فرصت طلایی برای حاضر شدن در صحنه اقتصادی کشور و کسب منفعت شخصی برای قشر دانشگاهی کشور است. به این ترتیب تعاونی دانش‌بنیان می‌تواند بخشی از مردم با مهارت دانشی یا فنی بالا را در نقاط خاصی از اقتصاد کشور فعال کرده و از مهاجرت نیروی انسانی ماهر جلوگیری به عمل آورد. همچنین انحصار حضور در عرصه دانش‌بنیان‌ها را از دست معدودی سرمایه‌گذار به امکانی گسترده‌تر برای مشارکت تبدیل کند.

اولین ویژگی تعاونی‌های دانش‌بنیان با مؤلفه مردمی کردن اقتصاد همخوانی دارد. دوم، شیوه سازماندهی تعاونی‌ها است. سوم، توجه به منافع عمومی و اجتماعی در کنار تعقیب منافع فردی است. مردمی شدن اقتصاد می‌تواند به اشکال مختلفی معنا شود. در مقدمات این گزارش، تفسیری از مردمی شدن اقتصاد در طرح اقتصاد ملی ارائه شد که براساس آن، اقتصاد ملی باید بتواند زمینه مشارکت همه اقشار را در اقتصاد فراهم آورد. وفق جدول ۳، ردیف ۲ نیز دیده می‌شود که متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بند «۱» خود همین قصد را داشته است، خصوصاً برای اقشار ضعیف. تعاونی‌ها یکی از فرصت‌های گسترده حضور در عرصه اقتصادی هستند. همه اقشار می‌توانند تقریباً با هر سطحی از توانایی مالی در آن مشارکت فعالانه داشته باشند. تعاونی‌ها از بانکداری تا تولیدات روستایی فعالیت دارند، اما این همه چگونه می‌تواند ارتباط بین تعاونی‌های دانش‌بنیان با اقتصاد مقاومتی را از بُعد مردمی شدن توضیح دهد؟

تعاونی‌های دانش‌بنیان ناظر بر تعریف شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران، باید نیروی کار بسیار ماهر و متخصص با مدارج دانشگاهی بالا داشته باشند.

۱. ماده (۱) قانون «حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات» مصوب ۱۳۸۹/۸/۵ مجلس؛ شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان، شرکت یا مؤسسه‌ای خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه، شامل طراحی و تولید کالا و خدمات در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوطه تشکیل می‌شود. همچنین مطابق با ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی انون فوق، هیئت‌وزیران مصوب ۱۳۹۱/۸/۲۱، گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه شامل طراحی و تولید کالا و خدمات (در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان) دو مؤلفه شرکت یا مؤسسه دانش‌بنیان محسوب می‌شوند.



این ایده نمی‌خواهد در برابر مسئله انباشت در اقتصاد و پیدایش سرمایه‌گذاران بزرگ بایستد، بلکه مسئله این است که با کمترین دستکاری در روال‌های جاری، امکان برابری نسبی در شروع بازی برای جامعه فراهم باشد. از سوی دیگر تلاش دارد نشان دهد که در شرایط ویژه ایران که پدیده انحصار به عنوان یک عامل مخل اقتصادی و نه امری که به شکل‌گیری سرمایه‌داران و ذی‌نفعان وفادار به قدرت ملی منجر وجود دارد، تعاونی‌های دانش‌بنیان می‌توانند یک فرصت، ولو کوچک برای قشری از جامعه و بخشی از اقتصاد باشند.

مسئله اقتصاد غیرنفتی و توجه به بازیگری فعالانه در جغرافیای سیاسی و اقتصادی از اهداف اقتصاد مقاومتی مقاومتی هستند که به نوعی نقطه اتصال این دو موضوع تولید داخلی است. اقتصاد غیرنفتی و قدرت اقتصادی با رشد تولید منجر به صادرات ممکن می‌شود، البته واضح است که نه هر تولیدی و نه هر گونه تولیدی. طبق چارچوب کلی‌ای که برای سیاستگذاری اقتصادی به دست آمد، روشن شد که تولیدی بر ثروت و قدرت کشور می‌افزاید که بتواند ویژگی‌هایی داشته باشد. از جمله اینکه بتواند در خارج از کشور به فروش برسد و مازاد تجاری برای کشور ایجاد کند. این مازاد تجاری هر قدر افزایش یابد، کشور امکان استقلال - منظور حذف نفت نیست - از صادرات نفت خام و سایر منابع طبیعی را پیدا می‌کند. هر قدر این بازارها و کالاها بتوانند به نحوی انتخاب شوند که هم‌زمان فرصت‌های جدیدی برای ایران خلق کنند، اهمیت بیشتری می‌یابند. چرا که پیگیری نیرو و ثروت در پتانسیل‌هایی که داریم الزاماً افزوده مهمی برای کشور، اقتصاد و علم و تکنولوژی خلق نمی‌کند. افزوده واقعی آنجا حاصل می‌شود که توان کشور به سمت خلق یا دستیابی به آنچه که تاکنون نداشته است هدایت شود. آن‌طور که در قسمت مرور نظری این گزارش آورده شد که چگونه برخی از مکاتب و اندیشمندان اقتصادی بر این ادعا صحه گذاشتند که توجه به برخی نقاط در بیرون از کشور می‌تواند محرک تولید و کاربست دانش و تکنولوژی در داخل شود. عطف به این استدلال‌ها باید پرسید تعاونی‌های دانش‌بنیان چه کاری می‌توانند در مسیر تولید معطوف به افزودن تراز تجاری برای ایران در منطقه انجام دهند؟ طبق برخی آمارهای ارائه شده [۳۰] نیمی از تعاونی‌های کشور، تعاونی‌های تولیدی هستند. اگر این تعاونی‌ها به سمت دانش‌بنیان شدن پیش بروند پتانسیل قابل توجهی از اقتصاد تعاونی کشور به سمت تولیدات غیرنفتی دانش‌بنیان می‌رود. اگر

چنین چیزی برای همه این تعاونی‌ها ممکن نباشد، جهت‌دهی از طریق سیاستگذاری و قانونگذاری مناسب برای ایجاد تعاونی‌های تولیدی دانش‌بنیان، می‌تواند یک اقدام مؤثر باشد. یک مثال ساده برای روشن شدن بحث در اینجا می‌تواند توجه به نیازهای کشورهای منطقه و برخی نقاط جغرافیایی که در تحولات جغرافیای اقتصادی جهان اهمیت و موقعیت جدیدی یافته‌اند باشد که موقعیت برخی کشورهای آسیایی را تغییر داده است. همچنین تغییرات اقلیمی و درخواست برای غذا، کشورهای ناحیه خلیج فارس را به کشورهای شمال شرقی ایران برای کشت فراسرمینی سوق داده است. این کشورها، آمادگی فنی و دانشی کافی ندارند و به شدت نیازمند محصولات فنی و دانش‌بنیان هستند. ایران می‌تواند از طریق ظرفیت شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان خود، در مسیر تأمین این نیاز کشورهای خاص قرار گیرد و به صادرات دانش و خدمات دانش‌بنیان روی آورد. چرا که قسمتی از تجربه شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران به بخش تعاونی‌های کشاورزی مرتبط است. به این صورت کشورهای منطقه با موضع‌گیری‌های مختلف در قبال ایران، در گلوگاه‌های اقتصادی خود به ایران وابسته یا دست‌کم به ایران نیازمند می‌شوند. این گره خوردن سرنوشت‌ها و منافع به هم، گستره همکاری بین‌المللی نیرومندی برای کشور ایجاد خواهد کرد که از منویات اقتصاد مقاومتی است و از سوی دیگر محرک خلق و توسعه دانش و تکنولوژی بیشتر در خود این تعاونی‌ها نیز می‌شود. این شیوه سیاستگذاری علم و فناوری می‌تواند هم‌زمان صحنه منفعت علم و تکنولوژی را در کنار رشد آن بگشاید. در همین راستا تعاونی‌های دانش‌بنیان در زمینه صادرات می‌توانند نقش آفرینی کنند که براساس آنچه جدول ۳، در ردیف ۹ نشان می‌دهد، بند «۱۰» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر صادرات هدفمند و حمایت از آن تأکید دارد.

شایان ذکر است که تعاونی‌ها از طریق ایجاد فرصت برای حاضر شدن برخی از مردم که تمایل یا شرایط پیوستن به شیوه‌های دیگر را ندارند، باعث می‌شود مردم بیشتری بتوانند به صحنه تولید معطوف به صادرات کشور وارد شوند و این درباره تعاونی‌های تولیدی دانش‌بنیان برخی حوزه‌های خاص مانند کشاورزی که توضیح داده شد اهمیت دوچندانی می‌یابد. چرا که هم نیروی نخبه دانشگاهی و هم نیروهای عام مردمی را به میدان می‌آورد و برایشان تولید سود و منفعت می‌کند. همین امر در نهایت به تقویت حس ملی و حس شادابی ملی نیز کمک خواهد کرد.

شدن این تعاونی‌ها به تعاونی‌های دانش‌بنیان کشاورزی می‌تواند این خواسته را برآورده سازد. نظر بر تغییرات اقلیمی شدید، فرسودگی خاک در ایران، سنتی بودن شیوه‌های کشت، نیاز به بذره‌های مقاوم به آفات، نیاز به توسعه کشت گلخانه‌ای، نیاز به بازاریابی خارجی قوی و بحران آب در بخش کشاورزی، حرکت تعاونی‌های کشاورزی موجود یا دست‌کم بخشی از آنها به سمت دانش‌بنیان شدن می‌تواند با هزینه زمان، پول و نیروی انسانی کمتری به تحول در وضعیت کشاورزی ایران منجر شود. در همین راستا اهداف فقرزدایی و حضور در بازارهای منطقه نیز قابل پیگیری است. شاید به‌نوعی بتوان انقلاب سفید در هندوستان که به عملکرد یک تعاونی مرتبط با شیر و لبنیات است را در این مورد مثال زد. مؤسس اصلی این تعاونی نه کشاورز بود و نه دامدار. یک فرد عادی بود با انگیزه اجتماعی بالا برای بهبود زندگی روستاییان هند. او توانست با ایجاد تعاونی تولید لبنیات در مناطق روستایی آثار فقرزدایی و تغییر اجتماعی گسترده‌ای بر جای گذارد.

بنابراین یک اقدام مهم در حوزه تعاونی‌های دانش‌بنیان برای حداکثر بهره‌مندی از آنها باید همین تأکید بر اهداف و انگیزه‌های اجتماعی باشد تا در جایی که بخش خصوصی نمی‌تواند به‌سادگی حاضر شود، آنها حضور یابند. برای این مهم، لازم است در بخش آموزش، ترویج، بازتعریف تعاونی‌ها و ملزم کردن‌شان به ذکر اهداف اجتماعی خود، قوانین و سیاست‌ها بازنگری شوند. همچنین لازم است مطالعه‌ای نیز در خصوص مشکلات اجرایی و نیز نیازهای حمایتی تعاونی‌های دانش‌بنیان بر همین اساس صورت گیرد. نیاز پژوهشی دیگر برای بهبود سیاست‌گذاری و قانون‌نویسی در این حوزه تحقیق و طراحی مدل مناسب شرکت تعاونی دانش‌بنیان است. به این علت که این شرکت‌ها با تعاونی‌های مرسوم فاصله دارند و با شرکت‌های دانش‌بنیان غیرتعاونی هم متفاوت هستند. لذا باید الزامات‌شان متناسب با شرایط‌شان در اداره و ساختار آنها رعایت شود.

مردم عادی‌ای که احساس می‌کنند در یک طرح بزرگ ملی نقش اجرایی مهمی برعهده دارند و زندگی روزمره‌شان سرشار از نیروی ساختن سرنوشت خود و فرزندان‌شان شده است، تعلق خاطر بیشتری به کشور و یکپارچگی آن خواهند کرد.

ویژگی دیگر تعاونی‌ها که می‌تواند در پیگیری اقتصاد مقاومتی مؤثر باشد، وجود انگیزه‌های اجتماعی در میان تعاون‌گران است. گاهی بخش‌هایی از اقتصاد نیازمند سرمایه‌گذارانی است که نه بخش خصوصی و نه بخش دولتی، در آن حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند یا ورودشان ممکن است زمانبر باشد. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توجه به توسعه محلی و همچنین به‌کارگیری ظرفیت‌های محلی برای اهداف اقتصاد ملی، تأکید شده که در جدول ۳، ردیف ۴ قابل مشاهده است. تعاونی‌های توسعه و عمران شهرستانی یکی از ظرفیت‌های کشور برای پیگیری این هدف هستند. نیروهای محلی همواره انگیزه اجتماعی بیشتری برای توسعه اقتصادی مناطق خود دارند. حضور تعاونی‌های دانش‌بنیان در این نقاط علاوه بر تحقق این هدف، می‌تواند باعث شوند دانش‌آموختگان بومی هر منطقه به‌عنوان نیروی متخصص بومی در منطقه خود فعال شوند. قطعاً حضور چنین کارشناسانی که هم بر مسائل بومی اشراف و توجه دارند و هم تخصص کافی دارند می‌تواند بر کیفیت کار بیفزاید و از مهاجرت نیروهای ماهر مناطق در داخل کشور یا به بیرون از آن جلوگیری کند. شناسایی این ظرفیت‌های خاص که نیازمند حضور تعاون‌گران دانش‌بنیان با انگیزه اجتماعی بالاست، یکی از مواردی است که به‌عنوان یک برنامه مطالعاتی و به‌عنوان یک اقدام سیاستی پیشنهاد می‌شود. نکته دیگر در این بخش، توجه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به مسئله کشاورزی و تأمین امنیت غذایی کشور است که در جدول ۳، ردیف ۷ قابل رؤیت است. تعاونی‌های کشاورزی در ایران قدمت و گستره قابل توجهی دارند. شبکه ارتباطی این تعاونی‌ها با هم و با اتحادیه‌ها یک شبکه ارزشمند و کانال آماده‌ای برای پیگیری سیاست‌های اقتصادی است. حضور تعاونی‌های دانش‌بنیان در کشاورزی ایران در کنار این تعاونی‌ها یا تبدیل



۶. جمع‌بندی و پیشنهادات



مختلف جامعه را به هم متصل کرد تا امور بتوانند به نحوی خوداتکا به فعالیت ادامه دهند. چراکه تنها به این روش می‌توان منافع شخصی و منافع عمومی را هم‌جهت کرد.

از سوی دیگر باید این را هم در نظر داشت که اقتصاد مقاومتی همچون عزم یک کشور برای نقش‌آفرینی فعالانه در میانه تحولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه، چگونه می‌تواند راهگشای تکوین و رشد دانش و فناوری در کشور باشد. هر قدر دولت‌های ملی بتوانند کشور را به سمت موقعیت‌های منفعتی جدیدی هدایت کنند نیروی بیشتری به اجزای داخلی برای حضور در فرصت‌های منفعتی جدید وارد می‌آید و این نیرو خود محرک رشد دانش و تکنولوژی همچون ابزارهای لازم برای حضور در این صحنه‌های جدید می‌شود. بنابراین واضح است چرا باید سیاستگذاری و قانونگذاری حوزه دانش‌بنیان‌ها به طور عام و تعاونی‌های دانش‌بنیان به طور خاص، متوجه الزامات اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش‌بنیان در بده‌بستان مستمر با هم باشند. با این رویکرد چند پیشنهاد برای بخش تعاونی‌های دانش‌بنیان ارائه می‌شود. امید است این گزارش بتواند بر این اساس، سنج‌های به‌دست دهد برای پژوهش‌هایی که مایل باشند ارزیابی دقیقی از عملکرد تعاونی‌های دانش‌بنیان و یا سیاست‌ها و قوانین مرتبط با آنها در کشور ارائه دهند.

بر اساس نتایج این تحقیق، تعاونی‌های دانش‌بنیان علاوه بر دارا بودن همه فواید دیگر شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان نظیر خلاقیت، نوآوری، ایجاد پویایی و پایداری در اقتصاد که هر یک به نوع خود سهمی در پیشبرد اقتصاد مقاومتی دارند، واجد صفات ویژه دیگری نیز هستند که به خودی خود می‌توانند در راستای تحقق راهبردهای اقتصاد مقاومتی تعریف شوند. این ویژگی‌ها در سه مؤلفه مردمی بودن، توجه به اهداف اجتماعی و شیوه‌سازماندهی تعاونی‌ها قرار دارد که در ترکیب با وضعیت دانش‌بنیان بودن‌شان، ظرفیت گسترده‌تری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی خصوصاً مردمی کردن اقتصاد، مشارکت دادن تعداد بیشتری از مردم در نقطه تولید معطوف به ایجاد مازاد تجاری، انحصارزدایی منفی از اقتصاد، تقویت اقتصاد غیرنفتی، فراهم آوردن زمینه برای حضور تعداد بیشتری از اقشار و آحاد جامعه در ساخت پهنه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشور که خود به نوعی مشارکت در ساختن سرنوشت و تصمیمات بزرگ ملی است را ایجاد می‌کنند.

هر پیشنهادی در حوزه تعاونی‌های دانش‌بنیان باید کارکردها و ویژگی‌های تعاونی بودن و نیز دانش‌بنیان بودن این شرکت‌ها در راستای هدف نهایی اقتصاد مقاومتی یعنی پیگیری قدرت ملی ایران را در نظر داشته باشد. در روند گزارش روشن شد که تنها با چنین شیوه‌ای است که می‌توان چرخ‌دنده‌های بخش‌های

جدول ۴. پیشنهاد‌های گزارش

متن پیشنهاد	نوع پیشنهاد
قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران که دو دهه پیش از اقتصاد مقاومتی و راهبردهای آن مبنی بر اقتصاد دانش‌بنیان نوشته شده است، در زمینه بازتعریف تعاونی‌ها، توانمندسازی، حمایت‌های مالی و غیرمالی، آموزش و مسائل حقوقی مرتبط با اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش‌بنیان با همکاری کمیسیون‌های مرتبط در مجلس و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مورد بازنویسی قرار گیرد.	پیشنهاد‌های تقنینی
حمایت از انجام پژوهش‌ها پیرامون قوانین موجود و ارائه پیشنهاد برای بهبود قوانین با معیار بهبود وضعیت تعاونی‌های دانش‌بنیان در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها.	پیشنهاد‌های پژوهشی
سنجش و تدوین موقعیت‌های مناسب سرمایه‌گذاری در کشور برای تعاونی‌های دانش‌بنیان توسط نهادهای پژوهشی کشور.	
مطالعه نیازهای حمایتی تعاونی‌های دانش‌بنیان و طراحی یک الگو براساس نیازهای اقتصاد ملی با استفاده از ظرفیت‌های پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس.	
تحقیقات و طراحی مدل مناسب شرکت‌های تعاونی دانش‌بنیان (چراکه مقتضیات و نیازهای این شرکت‌ها با تعاونی‌های مرسوم و با شرکت‌های دانش‌بنیان غیرتعاونی متفاوت است).	پیشنهاد‌های سیاست‌گذاری
سوق دادن تعاونی‌های تولیدی و کشاورزی موجود به سمت دانش‌بنیان شدن به جای تأکید و فشار صرف بر ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان جدید باری به هر جهت توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت جهاد کشاورزی.	
پرهیز از سیاست‌های حمایتی مالی گسترده بدون التفات به اولویت تعاونی‌های دانش‌بنیان در اقتصاد ملی.	

منابع و مآخذ



۱. توسلی، محمود و رستمیان، علی (۱۳۹۵). مجموعه مقالات اقتصاد دانش‌بنیان؛ بررسی نقش فناوری و نوآوری در توسعه اقتصادی، تهران: نشر چشمه. صص: ۱۰۱-۷۶.
2. <https://irkbn.com/knowledge-based-cooperative/>
3. Fontanari, Eddi and Sacchetti, Silvia. (2019). The Knowledge-based Agricultural Cooperative: A Validation from the Trentino Case. The Journal of Entrepreneurial and Organizational Diversity. 8. 46-70. 10.5947/jeod.2019.008.
۴. کری آن، وان (۱۳۸۵). علم اقتصاد اتریشی، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی و امیر آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.
5. Powel, Walter (2004) The Knowledge Economy, Annu Review Social, 30, 199-220.
۶. شومپیتر، جوزف (۱۳۷۵). تاریخ تحلیل اقتصادی (جلد اول)، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
۷. توسلی، محمود و رستمیان، علی (۱۳۹۵). مجموعه مقالات اقتصاد دانش‌بنیان؛ بررسی نقش فناوری و نوآوری در توسعه اقتصادی، تهران: نشر چشمه. صص: ۱۰۱-۷۶.
۸. قاسمی، حسین (۱۳۹۰). آشنایی با شرکت‌های تعاونی دانش‌بنیان، مجموعه مقالات کنفرانس ملی کارآفرینی، تعاون، جهاد اقتصادی.



۹. ربانی پیرعلیدهی، فاطمه، سیفی، محبوبه. و نوری درزیکالئی، پریسا (۱۴۰۱). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر در ایجاد شرکت‌های تعاونی کشاورزی دانش‌بنیان استان مازندران. مجله پژوهش‌های کارآفرینی، (۱)، ۲۹-۴۲.

۱۰. قابل دسترسی در:

<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1030384>.

۱۱. قابل دسترسی در:

<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1760755>.

۱۲. عبدی، بیژن، و کهن‌هوش‌نژاد، روح‌اله (۱۳۹۵). نقش اقتصاد تعاونی در تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی. تعاون و کشاورزی (تعاون)، ۵ (۱۷).

143-174. SID. <https://sid.ir/paper/93647/fa>

۱۳. جمشیدی، علیرضا، عالی، صمد، و بافنده زنده، علیرضا (۱۳۹۸). راهکارهای توسعه اشتغال دانش‌بنیان در کشور براساس روش داده بنیاد. نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۶ (۴).

85-108. SID. <https://sid.ir/paper/383671/fa>

۱۴. حسینی، سیدعبدالرضا (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی، مبانی، الزامات و راهکارهای اجرایی. کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱.

SID. <https://sid.ir/paper/857372/fa>

۱۵. صفرزاد، حسین، سلمانی دنگلانی، سمیه، و سعیدی، پرویز (۱۳۹۸). تأثیر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر تجاری‌سازی محصولات دانش‌بنیان با استفاده از تحلیل ماتریس اهمیت-عملکرد (IPMA). مطالعات راهبردی بسیج، ۲۲ (۸۴)،

57-83. SID. <https://sid.ir/paper/401495/fa>

16. Max Weber General Economic History. (Translated by Frank H. Knight, Ph.D.) (London: George Allen and Unwin.1927. Pp. xviii + 401. 12s.)

۱۷. معاونت طرح و برنامه، «اقتصاد مقاومتی و نقش دانشگاه‌ها در تحقق آن»، نشریه سامان، شماره ۳۵.

۱۸. تعریف اقتصاد مقاومتی / حیدری، منصور، و قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۵). پژوهشی در معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران. سیاست دفاعی، ۲۵ (۵ (پیاپی ۹۷))،

37-80. SID. <https://sid.ir/paper/502737/fa>.

۱۹. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ در دیدار با مردم آذربایجان. قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>.

20. Balibar, Etienne, and Erin M. Williams. "World Borders, Political Borders." PMLA 117, no. 1

21. (2002): 71–78. <http://www.jstor.org/stable/823250>.

22. Mun, Thomas, 1571-1641., 2007, A discourse of trade, from England vnto the East-Indies answering to diuerse obiections which are vsually made against the same. By T.M., Oxford Text Archive, <http://hdl.handle.net/20.500.12024/A07886>.

۲۳. گرجی‌زاده، عطیه شریفی رنانی، حسین (۱۳۹۳). نقش اقتصاد دانش‌بنیان در کنترل تورم. مدل‌سازی اقتصادی، ۸ (۲۶)، ۱۰۷-۱۲۵.

24. Sundac, D., and fatur, K. L. (2011). Knowledge economy factors and the development of knowledge-based economy. CroEconSur, 13(1): 105-141.

۲۵. معمارنژاد، عباس (۱۳۸۴). اقتصاد دانش‌بنیان: الزامات، ناگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها. فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ۱ (۱): ۱۰۹-۸۳.

۲۶. ناظمیان، حمید و اسلامی‌فر، علیرضا (۱۳۸۹). اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار. مجله دانش و توسعه - سال هفتم، ش ۳۳. صص: ۲۱۴-۱۸۴.

۲۶. به نقل از مهدی مسکنی، معاون تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

isna.ir/xdLrPL

گزیده سیاستی

بررسی تعاونی‌های دانش‌بنیان نشان می‌دهد باید به‌جای گسترش بی‌رویه و حمایت‌های غیرهدفمند، با درک کارویژه‌های این نوع از تعاونی‌ها، آنها را در نقاط خاصی از اقتصاد و با حمایت‌های جهت‌مند توسعه داد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir

